

اعجاز تأثیری قرآن با تأکید بر واکاوی «قتلی القرآن» ثعلبی

سیدمحمدعلی ایازی *

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد علوم و تحقیقات).

جعفر نکونام **

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم

زهرا ابراهیمی محمدیه

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد علوم و تحقیقات).
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۶).

چکیده

در سده‌های نخستین اسلامی - به اقرار کتاب‌هایی چون «قتلی القرآن» ابواسحاق ثعلبی (م ۴۲۷ ق.) - قرآن، چنان کشش و جذبه‌ای در مخاطبان برمی‌انگیخت و چنان در آنان اثر می‌گذاشت که مدهوششان می‌ساخت، اشک از چشمانشان جاری می‌کرد و در بسیاری از مواقع، اثرگذاری‌اش در حدی بود که سامعان و تالیان قرآن، جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کردند. مقاله حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی و با تأکید بر کتاب قتل القرآن ثعلبی - که حکایات آن ارتباط مستقیم با تأثیرگذاری‌های شگرف قرآن دارد - این مسئله را بررسی کرده است؛ نتیجه آنکه سه عنصر «قرآن»، «تالی» و «سامع» در این مسئله نقش ایفا می‌کنند اما هر دو عنصر اخیر، بر عنصر اصلی - یعنی قرآن - استوارند. قرآن، خود ساختار آهنگین و آهنگ‌پذیری دارد که با عناصر عارضی «صدای حزن آلود»، «صدای برخاسته از خلوص نفس» و نیز «صدای آهنگین»، از بُعد جلالی و جمالی بر سامعان و تالیان خود تأثیر می‌گذارد؛ آن هم تأثیری که مراتبش با موارد مشابه قابل مقایسه نیست و این تأثیر نیز بیشتر در بُعد جلالی و خوف و خشیت افکنی به سامع یا تالی نمود دارد و تأثیر جمالی نیز علاوه بر آنکه خود مستقلاً عمل می‌کند، زمینه را برای بُعد جلالی نیز آماده می‌سازد، به گونه‌ای که این تأثیرگذاری را در حیطه معنایی بسیار پر قدرت جلوه می‌دهد.

واژگان کلیدی: قرآن؛ جذبه قرآن؛ ثعلبی؛ قتل القرآن؛ سده‌های نخستین؛ اعجاز تأثیری

* Email: ayazi1333@gmail.com (نویسنده مسئول)

** Email: jnekoona@gmail.com

*** Email: zahraabrahimi94@yahoo.com

مقدمه

اعجاز قرآن یکی از انواع علوم قرآنی و از مباحث مورد اعتنای قرآن پژوهان به شمار می‌آید که از ابعاد گوناگون مورد تحلیل قرار گرفته و نظریات متعدد و متفاوتی درباره آن مطرح شده است. اعجاز - به اعتبارهای مختلف - به گونه‌های مختلف تقسیم‌بندی می‌شود که بحثِ جستار حاضر با دو گونه آن پیوند خورده است؛ گونه نخست، تقسیم‌بندی به اعتبار شمولیت یا عدم شمولیت است که سه بُعد مکانی، زمانی و مخاطبی را دربرمی‌گیرد و گونه دیگر، دسته‌بندی آن به سه قسم «اعجاز ذاتی»، «اعجاز از بُعد آورنده امی» و «اعجاز عارضی»^۱ است.

بررسی تاریخی مسئله اعجاز نشان می‌دهد که در قرون نخستین، اعجاز قرآن برای مسلمانان مطرح یا دغدغه آنان نبود و گونه‌های مختلفی اعجازی نیز از قرون چهارم و پنجم بود که - به‌طور روشن - در آثار اندیشمندان، که غالباً اعتزالی مذهب بودند، رخ نمائی کرد (ر.ک: کریمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱). آنچه در مقاله حاضر مد نظر است، بررسی ابعاد گوناگون و مؤلفه‌های گونه‌ای از اعجاز است که ریشه در آیات، روایات و نقل‌های متواتر تاریخی دارد و از نقائص عدم شمولیت و عارضی بودن نیز بدور است که با الهام از آموزه‌های اسلامی و دیدگاه برخی از اساطین علوم قرآنی، می‌توان نام آن را «تأثیر تکوینی آیات بر نفوس و هستی» نام نهاد؛ مسئله‌ای که علاوه بر قدرت استقلال تأثیری، تأثیر تکوینی جذابیت را نیز به دنبال دارد.

۱. پیشینه پژوهش

گرچه خطابی را نخستین کسی دانسته‌اند که وجه اعجاز تأثیری قرآن را مطرح

۱. مقصود از اعجاز عارضی، گونه‌های اعجازی چون اعجاز عددی است که قرن‌ها پس از عصر نزول سر برآوردند و در آیات قرآن و روایات معصومان^{علیهم‌السلام} اثری از آن دیده نمی‌شود و تلاشی است از سوی محققان مسلمان برای جذب نسل امروز (برای پیدایش اقسام اعجاز ر.ک: کریمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۱۴).

کرده است اما پیش از وی، ابوالحسن رمانی (متوفای ۳۸۴ق.) نیز در کنار وجوه دیگری که برای اعجاز ذکر می‌کند، به تأثیر آن در دل و جان اشاره کرده است (رمانی، [بی‌تا]: ۱۰۴). در دوره‌های بعد نیز دانشمندان بزرگی چون سیوطی به این وجه اشارتی داشته‌اند (معارف، ۱۳۷۷: ۸). درباره اعجاز تأثیری قرآن چند مقاله به نگارش درآمده است که «بررسی نظریه خطابی درباره اعجاز تأثیری قرآن کریم» از سیدمحمد حسن جواهری (قبسات، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۶۵) و «ماهیت و ساختار اعجاز قرآن در نظام اندیشگانی خطابی و جرجانی» از سهیلا جلالی کندی و فرشته معتمد لنگرودی (جلالی کندی، ۱۳۹۵: ۷۳-۱۰۳) و «اعجاز تأثیری قرآن» از شمس الحق افغانی از جمله آنهاست اما مطابق کاوش انجام‌شده، مقاله‌ای که اعجاز تأثیری را با تأکید بر کتاب قتلی القرآن ثعلبی واکاوی کند، نگاشته نشده است.

۲. تعریف اعجاز تأثیری

اصطلاح «اعجاز تأثیری» با عنایت به تأثیر آیات قرآن بر نفوس آفریدگان، پا به عرصه تعبیر نهاده است. این تأثیرگذاری، هم مستند قرآنی و هم مستند روایی دارد و هم به حکایات واقعی نقل شده از سده‌های نخستین مستند است. در قرآن، آیات زیادی از این امر سخن گفته است که مسائلی چون: به لرزه افتادن پوست بدن (زمر/ ۲۳)، شکافته شدن کوه (حشر/ ۲۱)، رحمت و دلگرمی بخشیدن (عنکبوت/ ۵۱)، گریستن (مائده/ ۸۳)، به سجده افتادن (اسراء/ ۱۰۷-۱۰۹) و... را دربرمی‌گیرد.^۱

۱. آیات بسیاری در این باره قابل ذکر است که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: بقره: ۶۲، آل عمران: ۱۱۳-۱۱۵، نساء: ۱۵۹ و ۱۶۲، مائده: ۶۹، اعراف: ۱۵۹، رعد: ۳۶، اسراء: ۳۷ و ۱۰۷-۱۰۹، قصص: ۵۲-۵۴، عنکبوت: ۴۷، فصلت: ۴۱، سجده: ۲۴، حدید: ۲۷ و... آیات مربوط به ساحر خواندن پیامبر ﷺ یا افتراات دیگری که از جانب مشرکان قریش به ایشان نسبت داده می‌شد نیز از یک بُعد ناشی از تأثیر تلاوت قرآن بر نفوس مردمان و جذب آنان به سوی اسلام است.

در روایات معصومان علیهم السلام نیز از این تأثیرگذاری‌ها، سخنان و اشاراتی به‌میان آمده است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۷۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۷۱) اما فهم و تفهیم ملموس این وجه، نیازمند دقت لازم به حکایات واقعی‌ای است که در سده‌های نخستین اسلام اتفاق افتاده است. از همان آغاز نزول قرآن، اخبار فراوانی درباره تأثیر روحی - روانی قرآن در دل و جان سامعان و تالیان، اعم از کافران و مؤمنان، نقل شده که واکنش‌های متفاوتی را از سوی آنان به‌دنبال داشته است. باتوجه به حکایات نقل شده، به‌طورکلی در میان کافران، دو گونه واکنش در شنیدن آیات قرآن دیده می‌شود که می‌توان آنها را به دو دسته «واکنش‌های ایجابی» و «واکنش‌های سلبی» تقسیم‌بندی کرد؛ برخی کافران، به‌دنبال شنیدن آیات قرآن، رقت قلبی پیدا می‌کردند و مسلمان می‌شدند اما برخی دیگر به‌رغم اقرار به زیبایی قرآن، دشمنی خود را با اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله دوچندان می‌کردند. حکایات فراوانی در این‌باره در کتاب‌های تاریخی نقل شده است (ر.ک: شرف‌الدین، ۱۳۶۸: ۸۶؛ ابرقوه، ۱۳۷۷ق، ج ۱: ۳۶۹؛ آیتی، ۱۳۷۸: ۱۶۳-۱۶۵؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۴۹؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۳۵۱؛ ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۷۶ و...).

در میان مسلمان و معتقدان به قرآن نیز تأثیرات گوناگونی مانند: «جاری شدن اشک»، «دست یابی به آرامش»، «افزایش ایمان»، «بی‌هوش شدن» و «جان به جان‌آفرین تسلیم کردن» و... قابل ذکر است؛ از جمله آورده‌اند که مردی نزد پیامبر آمد تا از او قرآن فرا گیرد، چون به این گفته خدای متعال رسید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» هرکس به وزن ذره‌ای نیکی کند آن را خواهد دید و هرکس به وزن ذره‌ای بدی کند آن را خواهد دید»، گفت: همین مقدار مرا بس است؛ و به‌دنبال کار خود رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «این مرد درحالی بازگشت که فقیه (آگاه از دین) شد» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۴).

در تعریف اعجاز تأثیری، اقوال گوناگونی گفته‌اند گرچه اشتراکاتی در قیود تعریفی

دارند؛ خطابی نوشته است: «درباره اعجاز قرآن، من به گونه‌ای اشاره کردم که مردم از آن غفلت کردند و آن تأثیری است که در دل و جان دارد. ما هیچ سخنی، چه در نظم و چه در نثر نشنیده‌ایم که وقتی به گوش می‌رسد، چنین حلاوت و لذتی در دل ایجاد نماید لذا خداوند فرموده است: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (حشر / ۲۱) یا فرموده است: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَابًا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ» (زمر / ۲۳؛ خطابی، [بی تا]: ۱۷).

برخی از تعاریف دیگری که در این باره ذکر شده است، عبارت‌اند از:

۱. «ثری ظاهری و باطنی که قرآن بر شنونده یا خواننده خود بر جای می‌گذارد و این خواننده یا شنونده نمی‌تواند در برابر آن مقاومت نموده و دفعش کند و این مسئله اختصاصی به مؤمنان نیز ندارد» (احمد یوسف، ۱۴۱۹ق: ۹).

۲. «اعجاز تأثیری قرآن کششی وجدانی و فرا زبانی است که در هیچ اثر بشری مانند آن یافت نمی‌شود و شالوده آن بر فرستنده و متن استوار بوده و دریافت آن به شرایط گوینده نیز مرتبط است» (جواهری، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

۳. «اعجاز تأثیری به اثر خاص و دگرگونی‌ای گفته می‌شود که قرآن بر قلوب تالیان و سامعان خود، اعم از مؤمنان و کافران، بر جای می‌نهد» (مصطفی خلیل، ۱۴۳۰ق: ۲۲).

تعاریف پیش‌گفته گرچه در جای خود می‌تواند صحیح باشد اما توجه به گزاره‌های قرآنی، روایی و تاریخی نقل شده، تأثیرگذاری قرآن بر نفوس را مسئله‌ای نسبی نشان می‌دهد که وابسته به عناصر متعددی چون: «گوینده متن»، «قابلیت ذاتی متن، که در دو سطح "موسیقی ذاتی" و "قدرت معنایی متن" قابل بحث است»، «قابلیت موسیقایی بخشیدن به متن»، «تأثیر نفس تالی»، «قابلیت سامع» و «عنصر زمان» است که در تعریف این قسم اعجاز باید مورد واکاوی قرار بگیرد.

تعریف دقیق‌تر وجه اعجازی مزبور، نیازمند نگاهی تلفیقی به شواهد قرآنی، روایی

و تاریخی است و یکی از کتاب‌هایی که دربردارنده شواهد مربوط به این مسئله است، قتلی القرآن ثعلبی است؛ از این رو معرفی آن ضروری می‌نماید.

۲-۱. قتلی القرآن و اعجاز تأثیری

کتاب «قتلی القرآن» از مجموعه حکایاتی تشکیل شده است که وجه مشترک همه آنها کشته شدگان قرآنی است. این کتاب در مورد کشتگان قرآنی است یعنی کسانی که با شنیدن آیه یا آیاتی از کلام الله از دنیا رفته‌اند. این اثر شامل یک مقدمه و بیست و دو حکایت است. به‌طور کلی داستان‌های قتلی القرآن از زاویه روایت آن به چند دسته تقسیم می‌شوند: گاهی فردی در حال عبادت است. صدای تلاوت قرآن را می‌شنود یا خودش قرآن می‌خواند و پس از آن می‌میرد (حکایات ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۲ و ۱۴)؛ گاهی شخصی به‌طور اتفاقی با شنیدن صوت قرآن از خود بی‌خود می‌شود و بلافاصله یا با فاصله می‌میرد (حکایات ۲، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸)؛ در مواردی، فردی (در حال عبادت یا در حالت عادی) صدای تلاوت قرآن را می‌شنود، بی‌هوش می‌شود، بعد از آن به‌هوش می‌آید و با شنیدن مجدد صوت قرآن مضطرب می‌شود و از دنیا می‌رود (حکایات ۱، ۳، ۴، ۱۰، ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲) شکل و ساختار و پیرنگ اکثر این روایات به این صورت است که: «شخصی وارد جایی می‌شود، آیه‌ای خوانده می‌شود و شنونده می‌میرد».

گرچه نامی از اعجاز توسط ثعلبی به‌میان نیامده است و شاید عدم ذکر آن به‌خاطر اشعری بودن وی باشد چراکه از نگاه اشعری‌ها، نازل شده قرآن دارای اعجاز نیست (ر.ک: سیدی، ۱۳۹۲: ۹۴) اما به‌هرحال این حکایات نقطه اوج تأثیرپذیری از قرآن را ترسیم می‌کند که منجر به بی‌هوشی و کشته‌شدن تالی یا سامع می‌شود و شاید آنچه را که خطابی و دیگران به‌عنوان اعجاز تأثیری ذکر کرده‌اند - باتوجه به بار معنایی واژه اعجاز - نتوان نام اعجاز را بر آن نهاد زیرا تأثیرپذیری از هر متن، محتوا، بیان یا

موسیقی که در اوج باشد، محتمل است و آنچه در حقیقت اعجاز تأثیری را نشان می‌دهد، تأثیری است که فراتر از موارد مشابه باشد و نمونه آن، امثال حکایاتی است که در کتاب قتلی القرآن ذکر شده است.

براین اساس «اعجاز تأثیری» را می‌توان این گونه تعریف کرد:

«اعجاز تأثیری قرآن، اثری خارق العاده است که قرآن به خاطر عناصر «گوینده متن»، «غناى محتوا» و «بیان زیبا و آهنگین» بر سامعان و تالیان خود - اعم از مؤمنان و کافران - برجای می‌نهد؛ اثری که نقطه اوج آن، بی‌هوش شدن و - در سطحی فراتر - از دنیا رفتن سامعان و تالیان است. در این تأثیرگذاری، - علاوه بر عنصر اصلی یعنی قرآن - عناصر فرعی «ظرفیت، قابلیت یا خلوص قلبی سامع» و «صوت حزین و آهنگین و قدرت نفس تالی» نیز نقش ایفاء می‌کنند».

۳. مؤلفه‌های اعجاز تأثیری

مؤلفه‌ها، عناصر یا اجزای تشکیل‌دهنده یک چیز است که بدون داشتن آنها نمی‌توانیم آن چیز را تجزیه و تحلیل کنیم. چنان‌که در تعریف اعجاز تأثیری گفته شد، این پدیده - در ظاهر - تک مؤلفه نشان نمی‌دهد بلکه چند مؤلفه اصلی و فرعی باید در کنار هم قرار بگیرد تا پدیده‌ای به نام اعجاز تأثیری شکل بگیرد اما آنچه باید مورد تحلیل قرار گیرد این است که درصد تأثیر هریک از این مؤلفه‌ها در شکل‌گیری اعجاز تأثیری چه میزان است تا صحت اطلاق این قسم اعجاز بر قرآن روشن گردد؛ چراکه اگر درصد تأثیرگذاری عناصر عارضی بیش از اندازه باشد، مقوله اعجاز تأثیری را زیرسؤال می‌برد و عملاً منتفی می‌شود.

به‌طورکلی در شکل‌گیری پدیده اعجاز تأثیری، رابطه‌ای دوسویه و متقابل در جریان است که یک سوی آن قرآن و سوی دیگرش، «تالی» یا «سامع» قرآن قرار دارد که هریک از اینها مسائلی را در درون خود جای داده است؛ «نازل‌کننده قرآن»، «ذات

محتوای قرآن»، «زیبایی لفظی قرآن» و «چاشنی موسیقی و صوت حزین» از مسائل مربوط به قرآن است «قابلیت قابل» در سوی دیگر قرار دارد و حلقه واسطی نیز در این میان - درحالت سماع - است که «تالی» نام دارد که نقش آن در دو بُعد «صوت حزین و آهنگین» و «خلوص نفس» نیازمند تبیین است. هریک از این مؤلفه‌ها - با تأکید بر حکایات قتلی القرآن - در ادامه می‌آید و با ادله دیگر تحلیل می‌شود.

۳-۱. قرآن کریم

تحلیل اعجاز تأثیری از بُعد نازل‌کننده آن - یعنی خداوند - به‌شکل ملموس امکان‌پذیر نیست و تنها نکته‌ای که در این باره می‌توان گفت این است که وقتی تالی یا سماع قرآن با خواندن یا شنیدن آیات، آن را نازل شده از جانب خداوند در نظر می‌گیرد، باورهای کلامی وی درباره ذات و صفات خداوند، او را تحت تأثیر قرار داده و باعث واکنش‌هایی از جانب وی خواهد شد. این نکته، تحلیل اعجاز تأثیری از بُعد مبدئی را به مؤلفه عارضی - یعنی قابلیت و استعداد نفس تالی یا سماع - نیز پیوند می‌دهد؛ بنابراین تحلیل این مسئله به آنجا موکول می‌شود.

برخی محققان، این بُعد مسئله را با ادله درون‌متنی تحلیل نموده و با استناد به آیه «كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا» (شوری / ۵۲)، تأثیرگذاری قرآن را مانند تأثیرگذاری روح بر جسم دانسته‌اند (ر.ک: فرید و جدی، ۱۹۷۱م، ج ۷: ۶۷۵). پذیرش اصل تحلیل مزبور بر فرض این همانی قرآن و روح استوار است اما اگر روح را قرآن فرض نکرده و مخلوقی از عالم علوی بدانیم (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۱۱۱)، تحلیل مزبور منتفی است گرچه نامیدن قرآن به روح، به‌اعتبار زنده‌کردن جان‌ها با هدایتگری خود، تسمیه‌ای صحیح است (همان).

باتوجه به سخنان مذکور، در اینجا تنها متن مصحف موجود - با تأکید بر حکایات قتلی القرآن - محور بحث است. پیش‌تر در تعریف اعجاز تأثیری، آیات دالّ بر

تأثیرگذاری قرآن ذکر شد. در این بحث، مسئله را می‌توان از دو بُعد "تأثیر مادی و جسمی" و "تأثیر بر روح" دنبال کرد.

۳-۱-۱. تأثیر مادی و جسمی

در بسیاری از روایات، از تأثیر تکوینی آیات بر نفس یا هستی و قدرت شفابخشی آنها و... سخن گفته شده که به خواص آیات قرآن معروف است و در قرآن نیز اشارتی به برخی از ابعاد آن شده است (اسراء / ۸۲؛ یونس / ۵۷). این تأثیرگذاری در روایات بسیاری آمده است که برای مثال به روایاتی که درباره تأثیر سوره حمد آمده است، می‌توان اشاره کرد. در روایتی از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمودند: «کسی که مرضی به او برسد سوره حمد را در گریبانش هفت مرتبه بخواند پس اگر مرض از میان رفت چه بهتر، وگرنه هفتادبار بخواند و من ضمانت می‌کنم که سلامتی یابد» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۸۴). این خواص تأثیری درباره همه سوره‌های قرآن ذکر شده است و ابعاد گوناگونی چون شفای بیماری، طلب فرزند، افزایش رزق، ادای دین، بیدارشدن از خواب و... را دربرمی‌گیرد.^۱

نکته‌ای که درباره این بُعد تأثیری قابل ذکر است، مشروط‌کردن این تأثیرگذاری به "ایمان و اعتقاد" است یعنی پای مؤثر یا مؤلفه عارضی در میان است؛ برای مثال در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند:

هرکس «با ایمان» سوره مبارکه فاتحه را چهل بار بر قدح آب با نیت خالص و توجه به خدا و معنای آن بخواند و آن آب را بر روی کسی که تب دارد، بپاشد، تب از او زایل می‌شود (واعظی کاخکی، [بی‌تا]: ۸).

از سوی دیگر این تأثیرگذاری فقط مخصوص آیات قرآن نیست بلکه ادعیه نیز - از

۱. در این باره کتاب‌هایی نگاشته شده است که می‌توان به «خواص آیات و ادعیه» از نجفی اصفهانی، «خواص القرآن و فوائده» از ضیاءالدین اعلمی و «خواص و فضیلت آیات قرآن کریم» از محمدرضا واعظی کاخکی اشاره کرد.

این بُعد - تقریباً دارای تأثیری برابر با قرآن‌اند؛ چنان‌که شواهد متعددی این مسئله را تأیید می‌نماید و آنچه در این باره آمده است، هم به آیات قرآن و هم به ادعیه استناد شده چنان‌که عناوین برخی از آثار مربوط به این حوزه مانند «خواص آیات و ادعیه» از «محمد تقی نجفی اصفهانی» نیز سخن مزبور را تأیید می‌نماید؛ بنابراین نمی‌توان از این بُعد تأثیری قرآن با عنوان اعجاز یاد کرد گرچه برخی از تأثیراتی که ذکر شده مانند قدرت سوره حمد برای زنده کردن مُرده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۲۳) و نظایر آن، صبغه‌ای اعجازگونه دارد^۱ و تأثیرش با قدرت تأثیری ادعیه قابل مقایسه نیست.

در رابطه با مطلب نخست یعنی مشروط کردن تأثیرگذاری قرآن به ایمان و اعتقاد، چند نکته قابل ذکر است؛ نخست آنکه، همه روایات این شرط را ذکر نکرده‌اند بلکه در بسیاری از آنها قدرت تأثیری قرآن بدون شرط عنوان شده است (ر.ک: همان). دوم آنکه، اصالت با شیء مورد اعتقاد است نه با خود اعتقاد، تا قدرت تأثیرگذاری را به اعتقاد منتسب کرده و قدرت ذاتی قرآن را در این باره منکر شویم. یکی از شواهدی که قابل ذکر است، مربوط به کافران و اعتقاد آنان به بت‌های خود می‌باشد. چنان‌که می‌دانیم، کافران به بت‌های خود اعتقاد خاصی داشتند و خواسته‌های خود را از آنان می‌خواستند. در باطل بودن معبود مورد اعتقاد آن - یعنی بت‌های بی‌جان - جای تردیدی نیست و از آنجاکه خواسته‌های اینان مورد اجابت قرار نمی‌گیرد نشان می‌دهد که اصالت با ذات شیء مورد اعتقاد است؛ قرآن مجید در این باره می‌فرماید: «الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٌ كَفِّهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ» (رعد/ ۱۴). طبق آیه مزبور، خواندن بت‌ها و تقاضای از آنها دعوت باطل است؛ زیرا کسانی را که مشرکان غیر از خداوند می‌خوانند و برای

۱. «لَوْ قُرِّتِ الْحَمْدُ عَلَى مِثَبِ سَبْعِينَ مَرَّةً ثُمَّ رُدَّتْ فِيهِ الرُّوحُ مَا كَانَ ذَلِكَ عَجَبًا: اگر سوره حمد هفتاد بار بر مرده‌ای خوانده شود و روح به تن او بازگردد، جای تعجب نیست». این روایت از لحاظ سندی روایتی حسن و قابل اعتماد است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲: ۵۱۱).

انجام خواسته‌هایشان به آنها پناه می‌برند، هرگز به آنان پاسخ نمی‌گویند و دعایشان را اجابت نمی‌کنند.

بنابراین با توجه به نکات پیش گفته، قدرت تأثیری ذاتی قرآن در بُعد جسمی و مادی قابل اثبات بوده و گاهی این تأثیر آنچنان است که با موارد مشابه تأثیرگذار قابل مقایسه نیست و در نتیجه صبغه اعجازی به خود می‌گیرد. در حکایات قتلی قرآن، گزاره‌ای در این باره مشاهده نمی‌شود تا مورد تحلیل قرار گیرد.

۳-۱-۲. تأثیرات روحی

تأثیرات روحی، در دو بُعد «جلالی» و «جمالی» قابل تحلیل است. مقصود از بُعد «جلالی» همان تأثیر محتوایی و معنایی قرآن و خوف و خشیتی است که معنای قرآن در دل و جان سامع یا تالی می‌افکند و بُعد «جمالی» نیز به زیبایی لفظی و بیانی قرآن ارتباط دارد.

۳-۱-۲-۱. بُعد تأثیری جلالی

در حکایات و روایاتی که سخن از تأثیرگذاری قرآن بر نفوس است، بسیاری از گزاره‌ها حول محور عذاب، قیامت و خشیت از خداوند می‌چرخد؛ از جمله، در روایتی آمده است که وقتی پیامبر ﷺ آیه «إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَ جَحِيمًا وَ طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ» (مزمّل / ۱۲-۱۳) را خواندند، بیهوش شدند^۱ (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۶۴۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰: ۶۳). در روایت دیگری آورده‌اند که آیه «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء / ۴۱) را بر پیامبر ﷺ خواندند و ناگهان اشک‌هایش به شدت جاری شد: «فإذا عیناه تدرفان» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۶۳).

درباره برخی از صحابه نیز نقل‌های از این دست وجود دارد؛ از جمله آورده‌اند که

۱. أخری عقیل: أن أبا الفرج أخرهم عن ابن جریر، قال: حدّثنا أبو کریب، قال: حدّثنا وکیع عن حمزة الزبّات عن حمران بن أعین أن النبی ﷺ قرأ: إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَ جَحِيمًا وَ طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ فصعق.

آیه «هُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَ مِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٌ» (اعراف / ۴۱) را بر عبدالله بن حنظله خواندند و او تا حدی گریه کرد که نزدیک بود جاننش از بدنش جدا شود (عباسی و پوراکبر کسمایی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

دقت در حکایات قتلی القرآن ثعلبی^۱ نیز نشان می‌دهد که این بُعد بسیار پُررنگ است. بیش از ۹۰ درصد آیاتی که در حکایات این کتاب ذکر شده است، از معاد و جزای اعمال^۲ (عباسی و پوراکبر کسمایی، ۱۳۹۰: ۲۰۷)، ترس از گناه^۳ (همان: ۲۰۸)، مرگ^۴ (همان: ۲۰۹) و عذاب جهنم^۵ (همان: ۲۱۱ و...) سخن می‌گوید که تالیان یا سامعان را به گریه می‌اندازد، بیهوش‌شان می‌سازد و در نهایت روانه عالم دیگر می‌کند. قرآینی در برخی حکایات مزبور وجود دارد که نقش عوامل عارضی را نیز در این تأثیرپذیری نشان می‌دهد؛ از جمله در یکی از حکایات، جوانی خواستار تلاوت صالح مُرئی - که آرزوی دیدن او و شنیدن تلاوت وی را داشت - می‌شود و بعد از تلاوت وی مضطرب شده، از دنیا می‌رود (همان: ۲۱۶). در اینجا دو مؤثر عارضی احساس می‌شود؛ یکی تلاوت شخص صالح است که از عبّاد زمان خود بوده و صدای حزینی داشته^۶ و دیگری، تلقین و اعتقاد آن جوان و آمادگی او برای تأثیرپذیری از قرائت

۱. نام اصلی این کتاب نیز بر مسئله مزبور صحه می‌گذارد: «کتاب مبارک یدکر فیہ قتلی القرآن العظیم الذین سمعوا القرآن و ماتوا بسماعه» «هذا کتاب مشتمل علی ذکر قوم هم افضل الشهداء و اشرف العلماء، نالوا اعلي المنازل و ادركوا اسني المراتب و هم الذین قتلهم القرآن لما قرؤوه أو سمعوه يتلي فعلموه حق علمه و فهموه حق فهمه» (ثعلبی، ۱۴۲۹: ۵۳-۵۴).

ثعلبی را نمی‌توان از صوفیان قلمداد کرد؛ زیرا در تراجم کلاسیک اسلامی هیچ سخن صریحی در باب صوفی‌بودن ثعلبی و احیاناً ارتباط نزدیک او با حلقه‌های متصوفه نیشابور به‌میان نیامده است (ر.ک: عباسی، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۱۳).

۲. مانند آیه «لَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَجْمٍ» (انعام / ۳۰).

۳. مانند آیه «رَبَّنَا عَلَّيْنَا عَلَيْنَا سِقُوتُنَا وَ كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ» (مؤمنون / ۱۰۶).

۴. مانند آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران / ۱۸۵).

۵. مانند آیه «فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره / ۲۴).

۶. «كان من احزن اهل البصر صوتا و ارقهم قرائة» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۳۲۵). در جای دیگری

صالح بوده است.

تحلیل این موارد در بخش مربوط به آن خواهد آمد.

۲-۲-۱-۳. بُعد تأثیری جمالی

این بُعد در اعجاز تأثیری، صبغه کمتری دارد و در میان حکایات نقل شده در قتلی القرآن ثعلبی نمی‌توان شاهدی برای آن یافت اما در حکایات نقل شده از صدر اسلام و بعضاً در حکایات دیگر نمونه‌هایی از این دست دیده می‌شود. از جمله حکایت سه تن از سران قریش است که چنین نقل شده است: «شبانگاهی - تصادفاً - ابوسفیان و ابوجهل و أخنس، هریک پنهان از دیگران، روانه خانه محمد ﷺ شدند که در گوشه‌ای دور از نظر دیگران سخنان او را بشنوند ... هریک بی‌خبر از دیگری گوشه‌ای گزید و در آنجا پنهان شد. رسول خدا قرآن را با آوای دلنشین خود می‌خواند. شب از دیر وقت گذشت. قرائت قرآن به پایان رسید. آن سه تن هریک از پنهانگاه خود بیرون آمد که روانه خانه خود شود و ناگاه هر سه بهم رسیدند. یکدیگر را سرزنش کردند و با هم پیمان بستند که دیگر چنین نکنند. شب دیگر فرا رسید و این سه یار باز بدانجا کشانده شده بودند تا باز آیات خدا را از زبان محمد ﷺ بشنوند. آن شب هم در بازگشت باز به هم رسیدند و پیمان شکسته را با سرزنشها دوباره پیوند زدند. ولی در شب سوم هم این داستان تکرار شد. این بار دیگر سخت تعهد کردند که دیگر از این کار چشم بپوشند و در برابر نفوذ آیات الهی مقاومتی بیشتر نشان بدهند» (رامیار، ۱۳۶۹: ۲۱۵-۲۱۶؛ به نقل از: سیره ابن هشام).

آمده است: «عنان بن مسلم می‌گوید که ما به مجلس صالح مری می‌رفتیم، او قصه می‌گفت و چنان آن را شروع می‌کرد و به پایان می‌رساند که گویی زند داغ‌دیده‌ای است که از شدت حزن و اندوه و گریه وحشت‌زده است. حرکات او انسان را می‌ترساند و از شدت خوف الهی همیشه گریان بود» (سمعانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۲۰۱).

۳-۲. تالی

مسئله‌ای که در بسیاری از حکایات مربوط به مسئله تأثیر قرآن در سده‌های نخستین دیده می‌شود این است که در این قرون، تأثیر سماع و استماع قرآن نسبت به تلاوت آن صبغه قوی‌تری دارد و این مسئله این فرضیه را در ذهن تقویت می‌کند که فزونی تأثیرگذاری سماع نسبت به تلاوت، به‌خاطر عوامل عارضی مانند صدای حزین تالی (در قرائتی که با صوت زیبا خوانده می‌شود) و خلوص و تأثیر نفس تالی (در تلاوت‌های عادی یا تلاوت‌های با صوت زیبا یا هر دو) بوده است که آبادی قلب سامع یا مستمع را نیز می‌توان بر آن افزود گرچه این مسئله میان تلاوت و سماع اشتراک دارد و کسی که قلب آبادی دارد، چه سامع باشد و چه تالی، تحت تأثیر معنا واقع می‌شود، که این مسئله در مولفه بعدی بررسی می‌شود.

۳-۲-۱. تلاوت آهنگین و اعجاز تأثیری

در برخی از روایات و حکایات منقول درباره تأثیرگذاری قرآن، سخن از صدای خوش تالی و قاری است (ر.ک: کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۴۲۸-۴۳۷). سؤالاتی که در این باره پیش می‌آید عبارت‌اند از: ۱ - آیا تأثیرگذاری قرآن صرفاً به‌خاطر صدای خوش قاری است؟ ۲ - صرفاً به‌خاطر تأثیر ذاتی خود قرآن است؟ ۳ - صدای خوش، تأثیر ذاتی قرآن را مضاعف می‌کند؟ ۴ - یا آنکه اساساً آهنگین بودن خود جزء ذات قرآن است؟ پاسخ این است که قرآن علاوه بر اینکه خود، ساختار آهنگ‌ساز (= موسیقی قرآن) دارد، قرائت آهنگین‌اش نیز نمی‌تواند جدای از آن باشد تا صوت عاملی مستقل و جزء مؤلفه‌های عارضی تلقی شود «آهنگین قرائت کردن قرآن هم پشتوانه عقلی دارد و هم احادیث فراوانی به آن توصیه کرده است» (سعدی شاهرودی، ۱۳۸۱: ۱). یکی از راههای نفوذ کلام الهی به جان آدمی، تلاوت آهنگین آن است زیرا میان روح انسان با آهنگ هم‌سنخی وجود دارد و از همین روست که معصومان علیهم‌السلام بر قرائت آهنگین

قرآن تأکید ورزیده‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: کتاب فضل القرآن). ذاتی بودن تأثیرگذاری قرآن و مضاعف کردن این تأثیر توسط تلاوت آهنگین، نکته‌ای است که در برخی روایات به آن اشاره شده است؛ در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است که «هر چیزی زیوری دارد و زیور قرآن صدای خوش است» و در روایت دیگری می‌فرماید: «قرآن را با آوازتان زینت بخشید» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۴۳۳). روشن است که زیور بودن، تأثیر ذاتی به چیزی نمی‌بخشد بلکه تأثیر را افزون می‌سازد یعنی این، قابلیت قابل است که با امری بیرونی تقویت می‌شود و قدرت تأثیرگذاری‌اش دو چندان می‌گردد.

قدرت تأثیری تلاوت آهنگین علاوه بر اینکه خود مستقلاً عمل می‌کند، زمینه‌ساز تأثیرگذاری معنایی را - مخصوصاً برای غیر عرب زبانان که نیازمند تأمل در متن عربی برای فهم آنند - مهیا می‌سازد زیرا تلاوت آهنگین زمینه‌ساز تدبر در قرآن است؛ توضیح آنکه، «همه موسیقی دانان تأیید می‌کنند که موسیقی تحریک کننده قوه خیالیه است، بلکه بعضی از دانشمندان معتقدند که آهنگ، قوه واهمه و برخی قوه متخیله گروهی دیگر و قوه عاقله عده‌ای را تحریک می‌کند. با پذیرش قدر متیقن از تأثیر آهنگ؛ یعنی تحریک قوه خیالیه، آهنگ در سلسله مقدمات تعقل و تدبر قرار می‌گیرد؛ زیرا خیال نیز مرتبه‌ای از تفکر است و سر و کار هنر و از جمله موسیقی با این قوه است» (سعدی شاهرودی، ۱۳۸۱: ۱).

نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است آن است که ممکن است گفته شود: فقط قرآن نیست که دارای ساختار آهنگین بوده و قابلیت موسیقی‌پذیری دارد بلکه متن‌ها یا موسیقی‌ها و الحان دیگری نیز هستند که دارای این ویژگی بوده و می‌توانند در مخاطبان تأثیر بگذارند. در پاسخ به این مسئله باید گفت، گرچه سخن از حزین خواندن کتاب‌های آسمانی مانند تورات نیز آمده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۴۳۱) اما تأثیری که قرآن بر مخاطبان خود گذاشته و آنها را مدهوش نموده یا سبب شده تا

جان به جان آفرین تسلیم کنند، در دیگر مؤثرات وجود ندارد. موسیقی‌ها و سایر گزینه‌های تأثیرگذار فقط از نظر جنس با اعجاز تأثیری شریکند اما از نظر نوع متمایزند زیرا از یکسو شدت، قوت و بدیل ناپذیری، امتیاز قرآن بر سایر تأثیرگذارندها است و از سوی دیگر اتصال به مبدا الهی، وجه برتری اعجاز تأثیری قرآن به سایر است (سعیدی روشن، ۱۳۷۹: ۱۰۲).

۲-۲-۳. خلوص و تأثیر نفس تالی

دقت در حکایات نقل شده درباره تأثیرگذاری قرآن بر دیگران نشان می‌دهد که در بسیاری از آنها، پیامبر ﷺ یا صحابی بزرگ و مؤمن او قرآن را تلاوت کرد ه‌اند؛ از جمله آمده است:

از طفیل روایت است که چون به مکه رفتم، قریش بیامدند و گفتند: مردی ظاهر شده، محمد نام و خلق را به سخن از راه می‌برد، تو را معلوم کردیم تا به سخن وی فریفته نشوی و فتنه به قبیله تو نرسد. از سید^۱ احتراز و تحنت می‌کردم تا روزی به مسجد رفتم، از قرآن خواندن وی در نماز لذتی یافتم. گفتم: قریش به غرض و حسد گفته‌اند، نزدیک رسول رفتم و با وی به خانه شدم و آنچه قریش گفته بودند، با وی بگفتم. سید^۲ حکم شریعت و مسلمانی بگفت و چند آیت بخواند. پس ایمان آوردم ...^۱ (شرف‌الدین، ۱۳۶۸: ۸۶).

در برخی حکایات قتلی القرآن نیز از تلاوت انسان‌های عابدی چون «صالح مری» نام برده شده است (عباسی و پوراکبر کسمایی، ۱۳۹۰: ۲۱۳).

مسئله مزبور این سؤال را به ذهن خطور می‌دهد که آیا خلوص نفس تالی تأثیر استقلال دارد؟ اگر تأثیر استقلالی ندارد، میزان تأثیر آن در افزون بخشی به تأثیر قرآن چقدر است؟ پاسخ این است که در بسیاری از روایات و حکایات، نامی از شخص

۱. برای نقل‌های دیگری از این دست، ر.ک: ابرقوه، ۱۳۷۷ق، ج ۱: ۳۶۹، آیتی، ۱۳۷۸: ۱۶۳-۱۶۵، طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۳۵۱ و ...

تالی نیست تا انگاره خلوص نفس او مطرح شود بلکه تنها سخن از این است که شخصی آیه‌ای را - با تلاوت حزین یا معمولی یا آهنگین - خوانده و سامع مدهوش شده و جان به جان آفرین تسلیم کرده است (همان: ۱۲۲-۱۲۳). از سوی دیگر در برخی آیات قرآن نیز سخن از تالی و خلوص نفس او نیست بلکه تنها از شنیدن آیات و تأثیر آن در وجودشان سخن گفته شده است: «وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (مائده / ۸۳).

علاوه بر این، نفس انسان هر چقدر خلوص داشته باشد، اگر غیر قرآن را قرائت کند، نفسش آنقدر قدرت ندارد که سامع را مدهوش ساخته و روانه عالم دیگر سازد بلکه در این جا نیز قدرت تأثیری ذاتی قرآن است که توسط خلوص نفس تالی تقویت شده و تأثیرش دوچندان می‌شود و اگر شخص عادی نیز آن را بخواند، تأثیر خود را خواهد داشت چنان‌که در حکایات بسیاری موید این مدعاست.

۳-۳. مخاطب

مخاطب، مولفه دیگری است که در اعجاز تأثیری نقش بازی می‌کند و مقصود از آن، همان سامع یا مستمع است که آیاتی از قرآن بر او خوانده می‌شود و تحت تأثیرش قرار می‌دهد. آنچه در این مؤلفه جای بررسی دارد، ظرفیتی است که در شخص سامع و مستمع وجود دارد و باعث می‌شود تا میزان تأثیرگذاری قرآن بیشتر شود. بررسی این مؤلفه زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که حکایات واقعی دوران متقدم را با دوران امروزی مقایسه کنیم و کمرنگ‌شدن تأثیر قرآن بر نفوس مردمان این عصر را ملاحظه نمائیم. گرچه رد پای این مسئله در حکایات صدر اسلام نیز وجود دارد؛ چنان‌که منقول است که اهل یمن یا گروهی از یمامه به نزد ابوبکر آمدند و هنگامی که تلاوت قرآن را شنیدند، شروع به گریستن نمودند. ابوبکر گفت: «هكذا كنا ثم قست القلوب» (سیوطی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۸۲؛ قمی نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ۲۵۶).

با این حال، برخی از گزاره‌ها نشان می‌دهد که حالات مخاطب و رده سنی آنها نیز در این تأثیرپذیری نقش داشته است چنان‌که درباره برخی آورده‌اند که در دوران عمر خود هیچ تأثیری از سماع قرآن نپذیرفته‌اند اما در اواخر عمر، این اتفاق برای آنان افتاده است (کسمایی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴).

نتیجه

اعجاز تأثیری قرآن یکی از وجوهی است که نخستین بار توسط «خطابی» یا پیش‌تر از وی توسط «رمانی» مطرح شده است. از این وجه اعجاز - که آن را جزء یکی از وجوه اعجاز بیانی قرآن یا وجهی مستقل از آن به شمار آورده‌اند - تعاریف گوناگونی ارائه شده است اما با توجه به بار معنایی واژه اعجاز، باید تأثیری از قرآن صادر شود که قابل مقایسه با موارد مشابه نباشد تا بتوان نام اعجاز تأثیری بر آن نهاد؛ این تأثیر در حکایات کتاب قتلی‌القرآن در گریاندن بسیار شدید سامعان، مدهوش ساختن آنان و - در نهایت - خارج کردن روح از بدن و کشتن‌شان متبلور شده است. تأثیر قرآن در دو بُعد جسمی - مادی و روحی - روانی بر مخاطبان خود نمود یافته است؛ بُعد نخست موارد گوناگونی مانند شفای بیماری‌ها و... را شامل می‌شود که برخی از آنها با موثرات دیگر مانند ادعیه، اشتراک دارد اما مواردی مانند زنده‌کردن مردگان از تأثیرات قرآن ذکر شده که مختص آن بوده و از حیطة قدرت موارد مشابه خارج است. بُعد دوم نیز دارای دو نوع تأثیر جلالی و جمالی است که تأثیر جلالی آن - یعنی تأثیرگذاری از بُعد معنایی - در سامعان و تالیان مخصوصاً در حکایات قتلی‌القرآن بسیار پررنگ است.

در اعجاز تأثیری قرآن، - در ظاهر امر - چند مؤلفه نقش ایفاء می‌کنند که عبارت‌اند از: قرآن، تالی و مخاطب. بررسی این سه مؤلفه، نشان از آن دارد که دو مورد اخیر نقش کمرنگ‌تری نسبت به قرآن دارند و مؤلفه‌ای فرعی محسوب می‌شوند

و درواقع وظیفه افزایش قدرت تأثیری قرآن را بر عهده دارند و بدون آنها نیز تأثیر قرآن به قوت خود باقی است چنان‌که شواهد بسیاری از حکایات واقعی مؤید آن است. اگر میزان تأثیرگذاری دو آیتم اخیر پُررنگ باشد، مقوله اعجاز تأثیری - که باید متکی به خود قرآن باشد - منتفی است. قرآن علاوه بر تأثیرگذاری از بُعد معنایی، خود ساختاری آهنگین دارد و مضاف بر این، صدای خوش یا حزین قاری نیز غیرقابل تفکیک از آن است و این مسئله علاوه بر اینکه خود تأثیری مستقل دارد، به تدبیر در قرآن نیز کمک نموده و با بُعد معنایی نیز مرتبط می‌شود.



منابع

۱. آیتی، محمدابراهیم. (۱۳۷۸). *تاریخ پیامبر اسلام*. تهران: دانشگاه تهران.
۲. ابرقوه، قاضی. (۱۳۷۳ق.). *سیرت رسول الله ﷺ*. ج ۱، تهران: وزارت ارشاد.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۰۴ق.). *تهذیب التهذیب*. بیروت: دارالفکر.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۱۵ق.). *الإصابة فی تمييز الصحابة*. تحقیق عبدالموجود عادل احمد و معوض علی محمد. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۵. ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۷۵). *زندگانی محمد ﷺ*. ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی. قم: کتابچی.
۶. ابن هشام، عبدالملک بن هشام. (۱۳۷۵ق.). *السيرة النبوية*. تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ الشلبی. ج ۲، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده.
۷. احمد یوسف، محمد عطا. (۱۴۱۹ق.). *الإعجاز التأثیری للقرآن الکریم* (دراسة تاریخیه و تطبیقیه من القرآن و السیرة النبویة، البحوث و الدراسات الإسلامیة). [بی جا]: [بی نا].
۸. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق.). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۹. جلالی کندری، سهیلا. (پاییز ۱۳۹۵). «ماهیت و ساختار اعجاز قرآن در نظام اندیشگانی خطابی و جرجانی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی *پرتال جامع علوم انسانی*. ش ۲۴، ص ۷۳-۱۰۳.
۱۰. جواهری، سید محمد حسن. (پاییز ۱۳۹۶). «بررسی نظریه خطابی درباره اعجاز تأثیری قرآن کریم»، *مجله قیاسات*. ص ۱۳۵-۱۶۵.
۱۱. حکیمی، محمدرضا. حکیمی، محمد. حکیمی، علی. (۱۳۸۰). *الحیاء*. ترجمه

- احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. خطابی، حمدبن محمد. (بی تا). بیان إعجاز القرآن. تحقیق محمد خلف الله و محمد زغلول سلام. مصر: دارالمعارف.
۱۳. رامیار، محمود. (۱۳۶۹). تاریخ قرآن. ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارت امیرکبیر.
۱۴. رمانی، علی بن عیسی. (بی تا). النکت. تصحیح محمد خلف الله و محمد زغلول سلام. مصر: دارالمعارف.
۱۵. زمخشری، محمودبن عمر. (۱۴۰۷ق.). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۶. سعدی شاهرودی، محمدجواد. (پاییز ۱۳۸۱). آهنگ قرائت قرآن کریم از دیدگاه حکمت و قرآن. قیسات. ش ۲۳، ص ۱.
۱۷. سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۷۹). معجزه شناسی. بی جا: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. سمعانی، عبدالکریم محمدبن منصور. (۱۴۰۸ق.). الانساب. بیروت: دارالجنان.
۱۹. سیدی، سیدحسین. (۱۳۹۲). سیر تاریخی اعجاز قرآن. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق.). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۱. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۵ق.). تاریخ الخلفاء. بی جا: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۲۲. شرف الدین محمد، عبدالله بن عمر. (۱۳۶۸). خلاصه سیرت رسول الله ﷺ، تصحیح اصغر مهدوی و مهدی قمی نژاد. تهران: علمی و فرهنگی.
۲۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۴. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان لعلوم القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
۲۵. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق.). *تاریخ الأمم والملوک*. بیروت: دار التراث.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق.). *الأمالی*. قم: دار الثقافة.
۲۷. عباسی، حبیب الله و صدیقه پوراکبر کسمایی. (۱۳۹۰). *سماع قرآن و کشته های آن به انضمام کتاب قتلی القرآن ثعلبی*. تهران: نشر سخن.
۲۸. عباسی، حبیب الله. پوراکبر کسمایی، صدیقه. (۱۳۹۰). *سماع قرآن و کشته های آن*. تهران: سخن.
۲۹. عباسی، مهرداد. (۱۳۶۸). *ابو اسحاق ثعلبی و روش وی در تفسیر قرآن* (پایان نامه). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات).
۳۰. فرید وجدی، محمد. (۱۹۷۱م.). *دائرة معارف القرن العشرين*. ج ۲، بیروت: دارالمعرفة.
۳۱. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر الصافی*. تهران: مکتبه الصدر.
۳۲. قمی نیشابوری، محمد بن حسین. (۱۴۱۶ق.). *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۳. کریمی نیا، مرتضی. (بهار و تابستان ۱۳۹۲). «ریشه های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست». *مجله پژوهش های قرآن و حدیث*. ش ۱، ص ۱۱۳-۱۱۴.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۵. کریمی نیا، مرتضی. (بهار و تابستان ۱۳۹۲). «ریشه های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست». *مجله پژوهش های علوم قرآن و حدیث*. ش ۱.
۳۶. مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۴ق.). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول* ﷺ.

تهران: دارالکتاب الإسلامیه.

۳۷. مصطفی خلیل، مصطفی سعید. (۱۴۳۰ق.). الإعجاز التأثیری للقرآن الکریم و

أثره فی الدعوة إلى الله تعالی. بی جا: شركة اجالینا للنشر والتوزیع.

۳۸. واعظی کاخکی، محمدرضا. (بی تا). خواص و فضیلت آیات قرآن کریم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی